

این است آیین ما

اسدالله افشار

www.ketab.ir



کتابخانه دیجیتال

سرشناسه	: افشار، اسدالله، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآوری	: این است آیین ما/ نویسنده اسدالله افشار.
مشخصات نشر	: تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۱۶ ص
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال ۹-۱۶ - ۶۰۶۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸:
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: قرآن - - بررسی و شناخت
موضوع	: اسلام - - بررسی و شناخت
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۹ الف ۶۵ الف / BP۱۱
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۶۵۰۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۸-۱۶-۹



تهران: خیابان مفتاح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

این است آیین ما

© حق چاپ: ۱۳۹۰، انتشارات سفیر اردهال، www.Safirardehal.ir

نوبت چاپ: اول

تألیف: اسدالله افشار

ویراستار: واحد ویراستاری سفیر اردهال

طراح جلد: مرتضی شمیسا

صفحه‌آرا: منیژه فاتحی

حروف متن: کریم ۱۵ روی ۲۳

چاپ: عترت - صحافی: مشعر - لیتوگرافی: نویس

شماره نشر: ۱-۱۳۶

شمارگان: ۱۱۰۰

کاغذ: تحریر سفید ۷۰ گرمی

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی) و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار.....
۱۵	دین چیست؟.....
۱۶	دین اسلام.....
۱۷	تقسیم‌بندی معارف دین اسلام.....
۱۹	جامعیت دین اسلام.....
۲۰	انسان از دیدگاه اسلام.....
۲۱	شناخت اسلام.....
۲۱	بایدها و نبایدها.....
۲۲	ایدئولوژی اسلام.....
۲۳	این است آئین ما.....
۲۵	فصل اول: قرآن؛ پیام جاویدان.....
۲۷	۱- قرآن؛ جاودانی و جهانی.....
۲۸	قرآن معجزه جاودانی پیامبر اسلام(ص).....
۲۸	جاودانی و جهان بودن.....
۲۹	اما روحانی بودن آن.....
۲۹	آیا قرآن دعوت به مقابله کرده است؟.....
۳۱	از کجا که مثل آن را نیاورده‌اند؟!.....
۳۷	۲- مثل‌های قرآن.....
۴۰	۳- مقصود از «قلب» در قرآن.....
۴۱	۴- صراط مستقیم چیست؟.....
۴۳	۵- معنی «فتنه» در قرآن.....
۴۴	۶- دوازده پیمان خدا با یهود.....
۴۵	۷- شجره ممنوعه.....
۴۸	۸- جامع‌ترین آیه اخلاقی.....
۵۰	۹- ملائکه در قرآن مجید.....

۵۴.....	۱۰- داستان غدیر خم.....
۷۱.....	۱۱- امیدبخش‌ترین آیه قرآن.....
۷۲.....	۱۲- آیا قرآن مندرجات تورات و انجیل را تصدیق کرده است؟.....
۷۴.....	۱۳- قرآن کتاب اندیشه و عمل.....
۷۶.....	۱۴- فرمانهای ده گانه.....
۸۴.....	۱۵- سه اصل مهم اسلامی.....
۸۶.....	۱۶- تقسیم‌بندی مردم از منظر قرآن.....
۸۷.....	۱۷- آماده‌باش دائمی.....
۸۸.....	۱۸- در قاموس مؤمنان شکست وجود ندارد.....
۸۹.....	۱۹- آیا جهان در شش روز آفریده شده است؟.....
۹۲.....	۲۰- امتیازات خانه کعبه.....
۹۵.....	۲۱- ازدواج فرزندان آدم چگونه بوده است؟.....
۹۶.....	۲۲- فرد پرستی ممنوع.....
۹۷.....	۲۳- طائوت کیست؟.....
۱۰۰.....	۲۴- ضرورت آمادگی عقیدتی و فرهنگی.....
۱۰۱.....	۲۵- نقش سعی و تلاش در پیروزیها.....
۱۰۲.....	۲۶- ضرورت وحدت صفوف.....
۱۰۳.....	۲۷- ابزار حکومت الهی.....
۱۰۴.....	۲۸- دو شرط اساسی برای مدیریت صحیح.....
۱۰۵.....	۲۹- رابطه دین و سیاست.....
۱۰۶.....	۳۰- دین و اجتماع.....
۱۰۷.....	۳۱- پیوند دین و دنیا.....
۱۰۹.....	فصل دوم: قرآن و الگوهای معنوی.....
۱۱۱.....	۱- پیامبر اسلام(ص) اسطوره صبر و استقامت.....
۱۱۳.....	۲- امام کیست؟.....
۱۱۶.....	فرق نبوت و امامت و رسالت.....

- ۳- گوشه‌ای از حکمت لقمان ۱۱۸
- ۴- حواریون چه کسانی بودند؟ ۱۲۱
- ۵- زندگی پرماجرای ابراهیم پیامبر بت‌شکن ۱۲۲
- ۶- ده صفت برجسته داود(ع) ۱۳۵
- ۷- چرا یهودیان را بنی‌اسرائیل می‌گویند؟ ۱۳۷
- ۸- روح القدس چیست؟ ۱۳۸
- ۹- الگوهای جاویدان ۱۳۹
- فصل سوم: قرآن، هدایت و عوامل رشد ۱۴۱
- ۱- هدایت چیست؟ ۱۴۳
- ۲- آمادگی لازم برای بهره‌گیری از حق ۱۴۴
- ۳- پذیرش حق با دلهای آماده ۱۴۵
- ۴- وظیفه بزرگ دانشمندان ۱۴۶
- ۵- مقیاس سنجش فضیلت ۱۴۷
- ۶- راه غلبه بر نگرانیها ۱۴۸
- ۷- استقامت در طریق حفظ ایمان ۱۴۹
- ۸- واقع‌نگری و ایمان ۱۵۰
- ۹- برنامه چهار مرحله‌ای داعیای الی‌الله ۱۵۲
- ۱۰- خداوند از همگان بینا است ۱۵۳
- ۱۱- تشبیه ایمان و راه خدا به نور ۱۵۴
- ۱۲- ریشه‌های عمل صالح از ایمان سیراب می‌گردد ۱۵۵
- ۱۳- «قلب سلیم» تنها سرمایه نجات ۱۵۷
- ۱۴- «سلام» تحیت بزرگ اسلامی ۱۶۰
- ۱۵- لزوم تعاون و همکاری در نیکیها ۱۶۳
- ۱۶- عدالت یک رکن مهم اسلام ۱۶۷
- ۱۷- چگونه دل با یاد خدا آرام می‌گیرد؟ ۱۶۸
- ۱۸- آیا اعمال نیک دیگران برای ما مفید است؟ ۱۶۹

۱۷۲	۱۹- پیروزی از طریق ترس دشمن
۱۷۲	۲۰- عوامل سه گانه پیروزی
۱۷۳	۲۱- وحدت کلمه در برابر دشمن
۱۷۴	۲۲- راه تسخیردلیها
۱۷۵	۲۳- روش سهل و ممتنع قوانین کیفری اسلام
۱۷۶	۲۴- چرا خدا مردم را آزمایش می کند؟
۱۸۵	فصل چهارم: قرآن، گمراهی و موانع رشد
۱۸۷	۱- تکبر و غرور سرچشمه بزرگترین بدبختیها
۱۸۹	۲- کبر و غرور، سرچشمه گناهان بزرگ
۱۹۰	۳- گناه و ویرانی جوامع
۱۹۲	۴- عوامل نگرانی و پریشانی
۱۹۵	۵- بلای شتابزدگی
۱۹۷	۶- رابطه «گناه» و «فساد»
۱۹۸	۷- توجیه گناه، یک بیماری عمومی است
۲۰۱	۸- مدهانه و سازشکاری
۲۰۲	۹- گناه زنگار دل
۲۰۴	۱۰- طغیان و احساس برنیازی
۲۰۵	۱۱- سرچشمه تفاخر و فخرفروشی
۲۰۷	۱۲- تظاهر و ریا بلای بزرگ اجتماعی
۲۰۹	۱۳- شایعه سازی و نشر شایعات
۲۱۰	۱۴- پشتیبانی از مجرمان از بزرگترین گناهان
۲۱۲	۱۵- نفاق و ریشه های آن
۲۲۰	۱۶- حسد سرچشمه ناپساندنیهای اجتماعی
۲۲۲	۱۷- جنایت تهمت
۲۲۳	۱۸- عالمان مغرور
۲۲۵	۱۹- استکبارورزی

۲۲۶	۲۰- مسلمانان نمائی!
۲۲۸	۲۱- ظاهرینان
۲۲۹	۲۲- احساس گناهکاری
۲۳۱	۲۳- کتمان حق
۲۳۳	۲۴- غفلت از یاد حق
۲۳۵	۲۵- نحوست ایام
۲۴۱	۲۶- غرور و یأس
۲۴۴	۲۷- گفتار بی عمل
۲۴۴	۲۸- عالم بر عمل
۲۴۶	۲۹- مخالفت با فرمان پیامبر (ص)
۲۴۷	۳۰- استهزا حربه ناجوانمردانه دشمنان حق
۲۴۸	۳۱- طوفان وسوس
۲۴۹	۳۲- روح طبقاتی
۲۵۱	۳۳- اشاعه فحشا
۲۵۳	۳۴- وحشت از نوآوری!
۲۵۴	۳۵- شرک و التقاط اعتقادی
۲۵۸	۳۶- انحراف از مذهب الهی
۲۶۳	۳۷- رهبانیت
۲۶۸	۳۸- «طغیان» و «دنیاپرستی»
۲۷۰	۳۹- ترس از دشمن
۲۷۰	۴۰- خط سرخ قرآن بر تمام رب النوع‌ها
۲۷۳	۴۱- دشمن در لباس دوست
۲۷۴	۴۲- زندان کانون ارشاد یا دانشگاه فساد
۲۷۵	۴۳- شیطان
۲۷۷	۴۴- شیطان اغواگر آدم
۲۷۸	۴۵- بت پرستی

۴۶- فساد چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟	۲۸۰
فصل پنجم: قرآن، تربیت و ارزشهای انسانی	۲۸۵
۱- مراحل تربیت و تکامل انسان	۲۸۷
۲- دو اصل مهم تربیتی	۲۸۸
۳- ارزش معنوی مرد و زن	۲۸۹
۴- گام دیگری برای حفظ حقوق زن	۲۹۱
۵- مساوات مرد و زن در پیشگاه خدا	۲۹۲
۶- ارزشهای راسخ و ارزشهای کاذب	۲۹۴
۷- ارزیابی ارزشها	۲۹۸
۸- راه خداشناسی	۳۰۱
۹- «تعلیم» مقدم است یا «تربیت»؟	۳۰۲
۱۰- مشاوره در اسلام	۳۰۲
۱۱- روش مؤثر تربیتی	۳۰۶
۱۲- احترام به پدر و مادر	۳۰۶
۱۳- قرآن و مهاجرت	۳۱۰
۱۴- نیاز فطری انسان به سرگرمی سالم	۳۱۴
۱۵- گردش در زمین	۳۱۶
۱۶- جهانگردی (سیر در ارض)	۳۱۸
۱۷- قرآن: شعر و شاعری	۳۲۱
۱۸- آداب نامه‌نگاری	۳۲۶
۱۹- رعایت اعتدال در استفاده از زینت‌ها	۳۲۷
۲۰- منطق آزاداندیشی	۳۳۰
۲۱- امنیت و آزادی در محیط خانه	۳۳۱
۲۲- راه نفوذ در دیگران	۳۳۴
۲۳- دین؛ زیربنای همه تحول‌ها	۳۳۶
۲۴- اهمیت مدیریت و انضباط در اسلام	۳۳۹

۳۴۳	۲۵- قرآن و امنیت اجتماعی
۳۴۵	۲۶- قرآن و تبیین طبیعت انسان
۳۴۶	۲۷- اهمیت صلۀ رحم در اسلام
۳۴۸	۲۸- دین اسلام، دین اعتدال
۳۴۹	۲۹- ارادۀ انسان؛ پایه اصلی سعادت و شقاوت
۳۵۳	۳۰- اهمیت اسلام به رعایت ادب
۳۵۷	۳۱- درسهای تربیتی از طوفان نوح
۳۶۰	۳۲- مسئله «جبر و اختیار»
۳۶۳	۳۳- ادیان و مذاهب عامل تکامل
۳۶۵	۳۴- رابطه «تقوی» و «عمران و آبادی»
۳۶۷	۳۵- مهم، ایمان مردم است
۳۶۹	فصل ششم: قرآن و حیات طیبه
۳۷۱	۱- حیات طیبه چیست؟
۳۷۲	۲- بلای اسراف و تبذیر
۳۷۵	۳- رعایت اعتدال در استفاده از گوشت
۳۷۶	۴- رشوه خواری ممنوع
۳۸۰	۵- قرآن و زکات
۳۸۲	۶- جزیه چیست؟
۳۸۵	۷- رابطه اسراف و فساد در ارض
۳۸۷	۸- جنون نمایش ثروت
۳۹۴	۹- اموال خود را بیمه الهی کنید
۳۹۵	۱۰- قرآن و انفاق
۳۹۹	۱۱- دنیا تجارت خانه اولیای خدا
۴۰۰	۱۲- قرآن و کم فروشی
۴۰۲	۱۳- حرص بر جمع مال
۴۰۵	۱۴- سیر کردن گرسنگان از بهترین حسنات است

۴۰۷	۱۵- تنوع طلبی
۴۱۳	فصل هفتم: قرآن و فلسفه احکام الهی
۴۱۵	۱- فلسفه دعا و نیایش
۴۲۷	۲- فلسفه نماز
۴۳۲	۳- فلسفه روزه
۴۴۰	۴- فلسفه تیمم
۴۴۱	۵- فلسفه وضو
۴۴۲	۶- فلسفه غسل
۴۴۴	۷- فلسفه و فضیلت نماز شب
۴۴۵	۸- فلسفه تحریم شراب
۴۵۱	۹- فلسفه اهمیت دادن به نماز
۴۵۳	۱۰- فلسفه اذان
۴۵۵	۱۱- فلسفه قبله
۴۵۷	۱۲- فلسفه تحریم زنا
۴۵۹	۱۳- فلسفه حجاب
۴۶۳	۱۴- فلسفه «جهاد» و «اخلاص»
۴۶۵	۱۵- فلسفه «حج»
۴۶۷	۱۶- فلسفه تقیه
۴۶۹	۱۷- فلسفه جهاد و جنگ در اسلام
۴۷۵	۱۸- فلسفه امر به معروف و نهی از منکر
۴۸۲	۱۹- فلسفه تحریم غنا
۴۹۰	۲۰- فلسفه طلاق
۴۹۳	۲۱- فلسفه برخورد با زنان متخلف
۴۹۶	۲۲- فلسفه ازدواج موقت
۵۰۰	۲۳- فلسفه زندگی در پرتو تلاش و جهاد
۵۰۱	۲۴- فلسفه تحریم گوشت‌های حرام

۵۰۵	۲۵- فلسفه توکل
۵۰۸	۲۶- فلسفه تقوا
۵۱۰	۲۷- فلسفه ارث
۵۱۵	۲۸- فلسفه قصاص
۵۲۰	۲۹- فلسفه انتظار ظهور
۵۳۰	۳۰- فلسفه تحریم همجنس گرایی
۵۳۹	۳۱- فلسفه عرفات
۵۴۰	۳۲- فلسفه شفاعت
۵۶۳	۳۳- فلسفه معراج
۵۷۰	۳۴- فلسفه وجود شیطان
۵۷۷	فصل هشتم: قرآن و زندگی جاوید
۵۷۹	۱- بقای روح
۵۷۹	۲- «لقاء الله»
۵۸۰	۳- اسباب بخشش گناهان
۵۸۲	۴- بی گناه و باگناه را با هم نمی سوزانند!
۵۸۳	۵- عوامل نابودی ثواب عمل
۵۸۵	۶- چرا از مرگ می ترسیم؟
۵۸۷	۷- شفیعان روز جزا
۵۹۰	۸- لحظه دردناک مرگ
۵۹۲	۹- بهشت و لذائد مادی
۵۹۳	۱۰- نامه‌ای قیامت در قرآن مجید
۵۹۴	۱۱- آیا دنیا و آخرت با هم تضاد دارند؟
۵۹۷	نمایه
۶۱۱	کتابنامه

پیشگفتار

جلوه کند ذات حق، در دل و در دین ما گوشه محراب جان در دو جهان بین ما
گر که خدا، حکم کند، بر دل و بر عقل و خاک راز و نیاز، فتح و فتوح، می شود آئین ما

دین چیست؟

دین از الفاظی است که بسیار بر زبان‌ها جاری می‌باشد و معمولاً به کسی دیندار گفته می‌شود که خدایی برای جهان اثبات کند و برای خشنودی او اعمالی مخصوص انجام می‌دهد. بنابراین دین، عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی است که پیغمبران از طرف خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند، دانستن این عقاید و انجام این دستورها سبب خوشبختی انسان در دو جهان است. اگر ما دیندار باشیم و از دستورهای خدا و پیغمبر اطاعت کنیم در این دنیای گذران خوشبخت و در زندگی جاویدان و بی‌پایان جهان دیگر هم سعادت‌مند خواهیم بود. بدین بیان که ما می‌دانیم سعادت‌مند کسی است که زندگی خود را در اشتباه و گمراهی به سر نبرد و دارای اخلاق پسندیده باشد و کارهای نیکو انجام دهد. دین خدا ما را به همین سعادت و خوشبختی هدایت می‌کند و دستور می‌دهد که اولاً عقاید درستی را که با عقل و وجدان خود درک شایسته انجام دهیم.

دین اسلام

دین اسلام دینی است جهانی و همیشگی و یک سلسله امور اعتقادی و مقررات اخلاقی و عملی است که به کار بستن آنها سعادت و نیکبختی انسان را در دنیا و آخرت تأمین می‌کند. مقررات دین اسلام که از جانب آفریدگار جهان فرستاده شده طوری است که هر فردی از افراد بشر و هر جامعه‌ای از جوامع انسانی که آنها را به کار بندد، بهترین شرایط زندگی و مترقی‌ترین کمال انسانی برایش فراهم خواهد شد. دین اسلام آثار نیکوی خود را به طور مساوی به همه کس و هر جامعه‌ای می‌بخشد و بزرگ و کوچک، دانا و نادان، مرد و زن، سفید پوست و سیاه پوست، شرقی و غربی بدون تفاوت می‌توانند از نواید و مزایای این آیین پاک برخوردار شوند و نیازمندی‌های خود را به نحو احسن و اکمل رفع نمایند؛ زیرا دین اسلام معارف و مقررات خود را بر پایه آفرینش گذاشته و نیازمندی‌های انسان را منظور داشته است و به رفع آنها می‌پردازد؛ و فطرت و ساختمان انسان نیز در همه افراد مختلف و نژادهای متفاوت و زمان‌ها یکسان است؛ زیرا بدیهی است که جامعه انسانی از خاور گرفته تا باختر یک خانواده نوعی است، یعنی همه از نوع انسانند و بزرگ و کوچک، مرد و زن، دانا و نادان، سفید پوست و سیاه پوست آن، اعضاء و افراد این خانواده هستند و در اصول و ارکان ساختمان انسانی شریکند. و نیازمندی‌های افراد مختلف و نژادهای متفاوت، مشابه است و آیندگان بشر نیز فرزندان و زادگان همین خانواده‌اند و قطعاً وارث حوائج و نیازمندی‌های اینان می‌باشند.

تقسیم بندی معارف دین اسلام

معارف دین اسلام به طور کلی به سه بخش تقسیم می‌گردد:

الف. اصول دین: اصول اساسی و اعتقادی اسلام. ب. اخلاق. ج. فروع فقهی و احکام.

گرچه هر یکی از این امور نیازمند تحلیل مبسوط است، اما در اینجا به طور خلاصه؛ مطالبی در تشریح آنها ارائه می‌شود:

الف - اصول دین

اصول دین یعنی ریشه و پایه‌های اصلی آن به چند اصل استوار است:

۱) توحید: یعنی اعتقاد به یگانگی خدای جهان. قرآن کریم که کتاب آسمانی دین اسلام است از راه‌های گوناگون درباره اثبات توحید و تشریح معارف توحید برای بشر سخن گفته است. از آن میان فرمود: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین از برای اهل ایمان آیه‌ها و نشانه‌هایی است که آنان را به سوی توحید رهبری می‌نماید و در آفرینش خودتان و این همه جنبندگان که در زمین پراکنده می‌باشند علائم و آثاری است که اهل یقین و دانش را به یگانگی خداوند می‌رساند» (جاثیه/۵)

۲) عدل: اصل دوم از اصول دین اسلام عدل است. بی‌عدالتی و ظلم ریشه در نیازمندی افراد ظالم و غیرعادل دارد و نوعاً برای رفع نیاز خود دست به بی‌عدالتی می‌زنند. اما از آن جا که هیچ‌گونه نیازمندی به ساحت مقدس آفریدگار جهان راه ندارد و هر حکمی که از مصدر جلال صادر می‌شود، حکمی تکوینی است، برای تأمین مصالح عامه است که در محیط آفرینش باید مراعات شود؛ و اگر حکم تشریعی است برای سعادت و نیکبختی بندگان است و منافع به خودشان برمی‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله لایظلم مثقال ذره» (نسا/۴۰)، یعنی خدای متعال به اندازه سنگینی یک ذره ظلم نمی‌کند و نیز فرمود: «و ما الله یزید ظلماً للعباد» (مؤمن/۳۱)؛ خدای متعال نمی‌خواهد به بندگان خود ظلم کند.

۳) نبوت: اصل سوم نبوت است. گرچه انسان خیر و شر و نفع و ضرر خود را اجمالاً از راه عقل درک می‌کند، ولی همان عقل غالباً خود را باخته و از خواهش‌های نفسانی پیروی می‌نماید و گاهی نیز راه خطا می‌رود. بنابراین قطعی است که هدایت الهی باید از راه دیگری علاوه بر راه عقل انجام گیرد و آن راه کاملاً از خطا و لغزش مصون است و این راه همان راه نبوت است؛ که خدای متعال دستورهای سعادت‌بخش خود را از راه وحی به یکی از بندگان خود بفرماید و به وی مأموریت دهد که آنها را به مردم برساند و آنان از راه امید و بیم تشویق و تهدید به متابعت آن دستورات وادار نماید.

۴) امامت: اصل چهارم امامت است، مراد از امامت پیشوائی دین در دنیای مردم است و شخص پیشوا امام نامیده می‌شود. شیعه معتقد است که پس از درگذشت پیامبر(ص) از جانب خدای متعال امامی برای مردم تعیین شود که حافظ و نگهبان معارف و احکام دین باشد و مردم را به راه حق هدایت کند. پس در هر حال وجود امام لازم است تا معارف و قوانین حقیقی دین خدا پیش او محفوظ بماند و هر وقت مردم استعداد پیدا کردند بتوانند از راهنمایی وی استفاده نمایند.

۵) اصل پنجم معاد است، ایمان به معاد یعنی اعتقاد به اینکه خدای متعال همه را پس از مرگ زنده و به حساب اعمال‌شان رسیدگی می‌نماید، نیکوکاران را پاداش نیک خواهد داد و بدکاران را به سزای کردار و رفتارشان خواهد رسانید. قرآن کریم در صدها آیه، معاد را به مردم تذکر می‌دهد و هرگونه شک و تردید را از آن نفی می‌کند.

ب- اخلاق

دین اسلام به بشر می‌گوید که در زندگی صفات پسندیده‌ای اختیار کنیم و خود را با خوی‌های ستوده و نیکو بیارائیم، وظیفه‌شناس، خیرخواه، بشر دوست، مهربان، خوش‌رو و دادگستر باشیم و از حق دفاع کنیم و از حدود و حقوق خود تجاوز نکنیم و

به مال و عرض و جان مردم تعدی روا نداریم، در طلب دانش و بینش از هیچ گونه فداکاری و از خود گذشتگی کوتاهی ننماییم و بالاخره عدل و اعتدال (میانه‌روی) را در تمام امور زندگی پیشه خود سازیم.

ج- عمل

اوامر دینی و احکام فقهی دین اسلام دستور می‌دهد که در زندگی به کارهایی که خیر و صلاح خود و جامعه ما در آن است، عمل کنیم و از کارهایی که فساد و تباهی به بار می‌آورد دوری کنیم و نیز می‌گوید به عنوان عبادت و پرستش پروردگار اعمالی مانند نماز، روزه، حج، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و نظایر آن را که نشانهٔ بندگی و فرمان‌برداری است به جای آوریم.

جامعیت دین اسلام

جامعیت دین را باید در راستای هدف و رسالت آن ملحوظ داشت و باید از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه پرهیز کرد. با نگاهی اجمالی به قرآن و روایات درمی‌یابیم که هدف دین، تأمین سعادت دنیا و آخرت آدمی است و چون امور دنیوی و امور اجتماعی تأثیر شگرفی در روحیات و کمال انسان و تأمین سعادت واقعی وی دارند، دین خاتم هرگز نمی‌تواند از دخالت در این امور چشم‌پوشی کند و باید برای تمام آنها برنامه‌ای جامع ارائه دهد. به بیان دیگر، قرآن برنامه سعادت انسان را بر خداشناسی و اعتقاد به یگانگی پروردگار بنا نهاده است؛ آن‌گاه اعتقاد به معاد را از آن نتیجه می‌گیرد و سپس پیغمبرشناسی را از اصل معاد اخذ می‌کند؛ چرا که رسیدن به پاداش و جزای اعمال نیک و بد، که مهمترین فلسفه معاد است ممکن نیست، مگر آن که نخست از راه وحی و نبوت از طاعت و معصیت آگاه شویم. پس از این سه اصل اساسی، و علاوه بر اعتقادات دیگر به بیان اصول اخلاق نیکو و صفات حسنه‌ای می‌پردازد که مناسب با اصول مزبور باشد، و آن‌گاه قوانین عملی را که در واقع حافظ

سعادت حقیقی و پرورش دهنده اخلاق نیکو و بالاتر از آن، عامل رشد و ترقی اعتقادات درست و اصول اولیه می‌باشند، پایه‌ریزی می‌کند.

بنابراین، مقصود از جامعیت دین آن است که در راستای هدف و رسالت خود رئوس کلی همه معارف لازم را برای تحقق این هدف در اختیار بشر قرار دهد، به گونه‌ای که بشر با تطبیق آن اصول کلی به صورت نظام‌مند بتواند هم معارف و هم رهنمون‌های مورد نیاز را برای رسیدن به سعادت خویش به دست آورد.

انسان از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام انسان یک موجود مادی محدود به این دنیا نیست بلکه موجودی فراتر از ماده و دارای زندگی جاوید است که همه شئون و اعمال او با سرنوشت نهایی او ارتباط دارد. یعنی هرگونه تلاشی در این زندگی در سعادت ابدی و یا شقاوت او تأثیر خواهد داشت. «الدنیا مزرعة الاخره» (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۲۵). «الیوم عمل و لاحساب و غداً حساب و لاعمل» (بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۵۴). از این رو نوع رفتار اجتماعی و سیاسی که انسان برمی‌گزیند به مانند رفتارهای فردی او تأثیر قطعی در سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و بدفراجامی اخروی او دارد، و لذا دینی که علاوه بر مسایل فردی به مسایل اجتماعی انسان و سعادت و هدایت جامعه می‌اندیشد نمی‌تواند نسبت به اجرای احکام و چگونگی اداره جامعه، تعیین ساختار حکومت، اصل عدالت و قیام به قسط، ایجاد تعاون و امنیت در جامعه و... طرح و نظری نداشته باشد. ثانیاً با نگاهی به آیات و روایات به روشنی ثابت می‌شود؛ که احکام، دستورات و رهنمودهای اجتماعی، سیاسی و... بسیاری جهت هدایت جامعه اسلامی در آنها یافت می‌شود؛ که اگر وجود این آیات در دین نشانگر گستردگی قلمرو دین در امور اجتماعی نباشد وجود چنین قوانین لغو خواهد بود و شکی نیست که خداوند فعل عبث انجام نخواهد داد.

شناخت اسلام

اسلام نام دین خداست که یگانه است و همه پیامبران برای آن مبعوث شده‌اند و به آن دعوت کرده‌اند. صورت جامع و کامل دین خدا به وسیله خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) به مردم ابلاغ شد و نبوت پایان یافت و امروز با همین نام در جهان شناخته می‌شود. تعالیم اسلامی که به وسیله خاتم انبیاء ابلاغ شد، به حکم اینکه صورت کامل و جامع دین خداست و برای این است که برای همیشه راهبر بشر باشد، مشخصات و متمایزات خاص دارد که متناسب با دوره ختمیه است این مشخصات در مجموع خود نمی‌توانست در دوره‌های قبل که دوره‌های کودکی بشر بود وجود داشته باشد هر یک از این مشخصات معیاری است برای شناخت اسلام با این معیارها و مقیاسها که هر کدام یک "اصل" از اصول تعلیمات اسلامی است می‌توان سیمایی ولو مبهم، از اسلام به دست آورد، و هم می‌توان با این معیارها تشخیص داد که فلان تعلیم از اسلام هست یا نیست.

بایدها و نبایدها

نگارنده مدعی نمی‌باشد که توانسته است همه معیارها را در این اثر گرد آورد، ولی تلاش نموده است حتی‌الامکان صورت جامعی از آنها را در فصول مهم و اساسی در بیش از ۲۲۰ موضوع متنوع در زمینه‌های اعتقادی، فروع دین، مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقیات و... ارائه داده باشد و البته می‌دانیم هر مکتب و ایدئولوژی و هر خواستگاه فکری که طرحی برای نجات و رهایی و کمال و سعادت بشر ارائه می‌دهد، یک سلسله ارزشها عرضه می‌دارد و "باید"ها و "نباید"ها و "شاید"ها و "نشاید"ها در سطح فرد یا جامعه می‌آورد که باید چنین بود، باید آنچنان شد، باید چنین یا چنان ساخت، باید فلان جهت را انتخاب کرد، باید به فلان سو رفت و فلان هدف را تعقیب کرد، مثلاً باید آزاد و آزاده زیست، باید شجاع و دلیر بود، باید مدام و پیوسته رفت، باید کامل شد، باید جامعه‌ای بر اساس قسط و عدل ساخت، باید

در جهت قرب به حق پیش رفت ولی این "باید" ها و "نباید" ها متکی بر فلسفه خاصی است که آنها را توجیه می‌نماید، یعنی اگر یک مکتب یک سلسله دستورها و فرمانها عرضه می‌دارد، ناچار متکی بر نوعی فلسفه و جهان‌بینی درباره هستی و جهان و جامعه و انسان است که چون هستی چنین است و جامعه یا انسان چنان است، پس باید اینچنین و آنچنان بود. جهان‌بینی یعنی مجموعه‌ای از بینشها و تفسیرها و تحلیلها درباره جهان و جامعه و انسان که جهان چنین است و یا چنان است، اینچنین قانون دارد، آنچنان پیش می‌رود. فلان هدف را تعقیب می‌کند یا نمی‌کند، مبدأ دارد یا ندارد، غایت دارد یا ندارد و امثال اینها، و یا انسان چنین سرشت و طبیعتی دارد، مثلاً با فطرتی خاص آفریده شده یا نشده مختار و آزاد است یا مجبور، یک واقعیت انتخاب شده در طبیعت است و به تعبیر قرآن "اصطفا شده" و یا یک واقعیت تصادفی، و یا جامعه مستقل از قوانین حاکم بر افراد قانون دارد یا ندارد، قوانین حاکم بر جامعه و تاریخ چه قوانینی است و امثال اینها.

ایدئولوژی اسلام

اسلام، هر چند یک مکتب فلسفی نیست و با زبان و اصطلاح فلسفه و فلاسفه با مردم سخن نگفته است، زبانی دارد مخصوص خودش که عموم طبقات به فراخور فهم و استعداد خود از آن بهره می‌گیرند، ولی در لابلای مطالب خود درباره همه این مسائل سخن گفته است و این سخت حیرت‌آور است بطوریکه می‌توان ایدئولوژی آن را به صورت یک دستگاه اندیشه عملی، و بینشهای جهانی آن را به صورت یک حکمت نظری، و نظریاتش را در باب معرفت و شناخت شناسی به صورت اصول یک منطق عرضه داشت.

نگارنده امیدوار است با تألیف این کتاب، گام مؤثری در این مسیر و در جهت اهداف بیان شده برداشته باشد، و از دیگرسو توانسته باشد با توجه به بضاعت اندک خویش، به برخی ازسؤالات و ابهامات موجود در ذهن نسل جوان در خصوص مسائل و

مواضع اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، و حتی پاره‌ای از مباحث قابل بحث در احکام دین مبین اسلام، پاسخی در خور ارائه نماید تا عطش سیری ناپذیر ایشان، از سرچشمه‌های زلال حکمت، دانش، آگاهی و معارف انسان‌ساز الهی سیراب گردد.

این است آئین ما

می‌دانیم که عمل را با علم و حرکت را با معرفت رابطه‌ای است و مکرر در مکرر شنیده‌ایم که در این باره گفت و گو و مباحثه فراوان صورت گرفته و می‌گیرد. در عصر ما، عنوان فلسفه شناخت، تیر بسیاری از سخنرانی‌ها و نوشته‌ها و مقالات است که می‌تواند تصورات و افکار و اندیشه‌های انسانی را به تصویر بکشد و این درست به آن ماند که نگارنده، با ارائه سلسله مباحث موجود تحت عنوان "این است آئین ما" در صدد آغاز حرکتی برآمده تا در مسیر فلسفه یاد شده آموزش دهد که چگونه تصمیم بگیریم و چگونه عمل کنیم و چگونه فکر کنیم و چگونه بشناسیم و برنامه‌ریزی نمائیم تا مقصد گم نگردد و خاستگاه فضیلت‌ها و ارزش‌ها نیز با توجه به شئون انسانی، دستخوش برداشتها و قضاوت‌های عجولانه و احياناً مغرضانه قرار نگیرد؛ و چنانچه این امر حادث گردد قدر مسلم بدانیم برای انسانیت و حریت و آزادی او در گزینش راه درست و آن همه فضائل خدادادی بر زندگی آنان، هیچ شرافت، ارزش و معرفتی باقی نمی‌ماند.

شایان ذکر است که در ارائه مباحث مطروحه از تفاسیر پر بار مفسران عظیم الشان قرآن خاصه تفسیر گرانسنگ نمونه، مستقیم یا غیرمستقیم سود جسته، تا شاید این قلم از این رهگذر توانسته باشد، به عمق و غنای موضوعات، و بار معرفتی و علمی آنها بیش از پیش افزوده باشد.

امیدوارم این کتاب، که در فصول هشتگانه و با موضوعات متنوع، به رشته تحریر درآمده است، با لطف الهی، ینشی کوتاه و مختصر اما تأثیرگذار و عمیق در باب

دیدگاههای مکتب والا و پویای اسلام، پیرامون همه جنبه‌نگری این آیین آسمانی در نحوه اعمال روش زندگی فردی و اجتماعی انسان تحت عنوان "این است آیین ما" ارائه نماید.

در خاتمه بر حسب ادب و از باب وظیفه دینی- انسانی، از کلیه کسانی که مرا در به چاپ رساندن این اثر یاری و مدد رسانده‌اند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری نموده و از درگاه خداوند سبحان برای ایشان طول عمر با عزت و توفیق روز افزون آرزو می‌نمایم.

تهران - اسدالله افشار

تیرماه ۱۳۹۰

www.ketab.ir